



دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان

# رابطه ایران و اسرائیل

استاد گرامی: جناب آقای دکتر دبیری مهر

گردآورندگان: حبیب الله راهداری، محمد کیانی، حمیدرضا ریاحی و جمال عبدالناصربارانی

اردیبهشت ماه ۹۴

## مقدمه

روابط ایران و اسرائیل نمود برجسته‌ای از پنهان‌کاری‌های سیاسی و ظاهرسازی‌های عوام‌فریبانه بود. گرچه این روابط فراز و نشیب‌های بسیاری داشت و معمولاً به‌صورتی کم و بیش پنهان برقرار می‌شد هرگز کاملاً قطع نگردید و با وجود نارضایتی افکار عمومی داخلی و اعتراضات دولت‌های عرب حدود سی سال ادامه پیدا کرد. در سال‌های پایانی رژیم پهلوی شاه و دیگر مقامات رژیم درصدد گسترش همکاری‌های اقتصادی بین ایران و اسرائیل بودند. با شروع انقلاب اسلامی نه تنها به این روابط پایان داده شد بلکه مبارزه با صهیونیسم به‌طور جدی عملی شد

# تشکیل قوم بنی اسرائیل

قوم بنی اسرائیل (که خود به ۱۲ قوم تقسیم می‌شود) بازماندگان قبایلی هستند که ابتدا در حدود ۴۰۰۰ سال پیش در جنوب بین‌النهرین ساکن بوده‌اند، بعد به سرزمین کنعانیان (فنیقیه‌های‌ها) و سپس به مصر مهاجرت کرده‌اند. در مصر مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند و به دین موسی گرویدند و طی مهاجرتی معروف توسط وی دوباره به سرزمین کنعان انتقال داده شدند. این قوم در حدود ۳۰۰۰ سال پیش اولین دولت خود را در همان سرزمین بنیان نهادند. بعدها در اثر هجوم بیگانگان و جنگ‌های داخلی ۱۱ قوم دیگر از بین می‌روند و یا به عنوان برده در قوم یهودا ادغام می‌شوند. افرادی را که امروزه به بنی اسرائیل منسوب می‌کنند، در واقع بازماندگان قوم یهودا هستند.

# تعریف صهیونیسم

صهیونیسم، جنبش یهودی برای به وجود آوردن جامعه و کشور خودمختار یهودی در فلسطین. نام این جنبش از «کوه صهیون» (آرامگاه داود نبی) گرفته شده که در اورشلیم قرار دارد. صهیونیسم صورت دنیاپرستانه، ملت پرستانه و نژادپرستی از یهودیت است و خود را برتر از سایر ادیان و ملت‌ها می‌داند

# فرق اسرائیل با رژیم صهیونیستی

اسرائیل واژه‌ای عبری به معنای بنده خدا و نیز لقب حضرت یعقوب است. از این رو به فرزندان و نوادگان آن پیامبر بزرگ الهی «بنی اسرائیل» گفته می‌شود. همچنین نامی است که جنبش صهیونیسم بعد از غصب فلسطین بر این کشور قرار داده اند. صهیونیسم یک پدیده سیاسی با آرمان‌های جاه‌طلبانه، نژادپرستانه و استعمارگرانه است که زیر پوشش مذهب یهود، جلوه مذهبی به خود می‌گیرد و می‌کوشد به عنوان ناجی قوم یهود اهداف خود را دنبال نماید و با این مسأله غصب فلسطین و جنایات خود در اراضی اشغالی را توجیه نماید، در واقع صهیونیست‌ها مدعیان دروغین پیروی از حضرت موسی می‌باشند. برخی از علمای یهود نیز از تفکرات اعمال و رفتار و جنایات صهیونیست‌ها اعمال برائت کرده و با آن به مخالفت برخاسته‌اند.

# فرق بین یهود و صهیونیست

مقوله صهیونیسم با یهود، تفاوت‌های بسیاری دارد به طوری که امروزه طرف-داران واقعی دین یهود، از مخالفین جدی صهیونیسم هستند و هرگز با اهداف غیرانسانی طرف-داران صهیونیسم موافق نیستند و در محافل مختلف جهانی، اعتراضات شدید خویش را نسبت به سیاست‌های ددمنشانه صهیونیست-ها ابراز داشته‌اند. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که بررسی‌هایی نسبت به دیدگاه‌های آن‌ها داشته باشیم.

- ابتدا لازم است به معانی لغوی و اصطلاحی دو کلمه «یهود» و «صهیونیسم» پردازیم و سپس فرق موجود بین این دو را تبیین نماییم.
- ۱. معنای لغوی «یهود»: «هود» از لغت عبری گرفته شده و به معنای حمد و شکر و مجد است و «یهودا» نام فرزند چهارم حضرت یعقوب(ع) از همسرش به نام «لینه» است و به نظر می‌رسد که کلمه «یهود» نیز از همین اسم برگرفته شده باشد. لغویان «یهود» را واژه‌ای بیگانه دانسته‌اند، اما یقین نداشتند که «عبری» است یا «فارسی».
- ۲. معنای اصطلاحی «یهود»: یهود در اصطلاح، به کسانی گفته می‌شود که پیروان دین حضرت موسی(ع) هستند و کتاب تورات را کتاب آسمانی می‌دانند و از شریعت ایشان تبعیت می‌نمایند و با آمدن اسلام، آن را نپذیرفتند. و بر دین خود پای-بند هستند.

# سرزمین موعود

■ سرزمین موعود (به انگلیسی: Promised Land) که کنعان و یا سرزمین مقدس نیز خوانده شده است، ناحیه‌ای تاریخی در شرق دریای مدیترانه است. این سرزمین بنا به اعتقاد یهودیان و چنانکه از کتب مقدس آنان برمی‌آید، نقشی سرنوشت ساز در زندگی و اعتقاد قوم اسرائیل داشته است.

# عوامل مؤثر در تشکیل دولت صهیونیسم

۱- پافشاری سردمداران یهود و صهیونیسم برای تشکیل دولت یهود در فلسطین؛

۲- آمادگی حکومت های غرب و شرق برای نجات ملت ها از شر یهودی ها و مزاحمت های سیاسی و اقتصادی ؛ زیرا یهود در هر کشوری که باشد اقتصاد آن کشور را قبضه می کند و به همین دلیل هیتلر یهودی ها را سوزاند و روسیه آن ها را اخراج کرد؛

۳- از همه مهم تر استکبار جهانی بر آن بود که یک غده سرطانی را در قلب کشور های اسلامی قرار دهد تا دولت های عرب و مسلمان نتوانند به وحدت برسند و دوباره تجربه امپراطوری عثمانی تجدید نشود و اصولاً جامعه مسلمانان گرفتار اسرائیل شوند.



# تاریخ یهودیان در ایران

تاریخ یهودیان در ایران به زمان عهد عتیق باز می‌گردد. در کتابهای اشعیا، دانیال، عزرا و نحمیا مطالب زیادی در مورد زندگی یهودیان در سرزمین پارس وجود دارد. در کتاب عزرا شاهان ایرانی به دلیل اجازه دادن به یهودیان برای بازگشت به اورشلیم و بازسازی معبد مورد احترام قرار گرفته‌اند. بازسازی معبد بنا به دستور کوروش، داریوش و خشایارشا انجام شد. این اتفاق مهم در تاریخ یهودیان در قرن ۶ پیش از میلاد رخ داد که در آن زمان گروههای یهودی پابرجا و بسیار بانفوذ در ایران وجود داشتند.

یهودیان در سرزمین ایران فعلی از ۲۷۰۰ سال پیش زندگی کرده‌اند. اولین مهاجرت آنها به ایران از زمان شلمنسر پنجم و تسلط او بر پادشاهی شمالی اسرائیل (۷۲۲ پیش از میلاد) و اخراج یهودیان (ده قبیله گمشده) به سمت خراسان است. در ۵۸۶ قبل از میلاد، بابلیان بر یهودیان چیره شدند و آنها را در بابل به اسارت گرفتند.

یهودیان ایران معمولا فقط در جوامع خود زندگی می‌کردند. یهودیان ایران قدیم امروزه جزئی کوچکتر از یهودیان کشورهای ایران بزرگ نظیر افغانستان، آذربایجان، شمال هند، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان هستند.

بعضی از این جوامع از جوامع دیگر به دور بودند و با آنها در ارتباط نبودند. در زمان اوج قدرت امپراتوری هخامنشی، تخمین زده می‌شود که یهودیان حدود ۲۰ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند.

# یهودیان در زمان کورش

# هامان و يهوديان و قضيه استر

# وضعیت یهود در ابتدای اسلام در ایران

# حکومت صفوی و قاجار

در زمانی که مذهب شیعه توسط شاهان صفوی به دین رسمی ایران تبدیل گشت وضعیت یهودیان بدتر شد. اسلام شیعه توجه بسیار زیادی به مساله پاکی و نجاست داشت و یهودیان را نجس می دانست. از این رو هرگونه ارتباط بین یهودیان و مسلمانان باعث نجس شدن آنان و نیاز به غسل برای نماز خواندن می شد. از این رو شاهان صفوی و بیشتر مردم معاشرت بین یهودیان و مسلمانان را بسیار کم می کردند. یهودیان اجازه نداشتند به گرمابه های عمومی بروند و یا در زیر باران و برف از خانه خارج شوند زیرا ممکن بود نجاست آنان به مسلمانان سرایت کند. یهودیان تا زمان انقلاب مشروطه تنها اجازه داشتند به شغل هایی بپردازند که در نظر مسلمانان کثیف محسوب می شد. بعضی از این شغلها عبارت بود از: رنگرزی، خرده فروشی، تخلیه چاه، خوانندگی، نوازندگی و قاصی.

# وضعیت یهودیان در زمان شاه عباس اول

■ در زمان شاه عباس اول ابتدا روابط با یهودیان بهبود یافت. او یهودیان از سراسر ایران را در اصفهان پایتخت جدید خود سکنی گزاند؛ ولیکن در اواخر حکومت او روابطش با یهودیان بد شد و بنا به توصیه یک یهودی مسلمان شده تصمیم گرفت که یهودیان را مجبور کند نشان و لباس خاصی بپوشند. در سال ۱۶۵۶ میلادی تمام یهودیان از اصفهان اخراج شده و مجبور به گرویدن به دین اسلام شدند؛ ولیکن بعد از اینکه معلوم شد که این مسلمانان تازه در خفی یهودی بودند و تنها دلیل مسلمان شدن آنها ندادن جزیه بود دوباره اجازه بازگشت به یهودیت را یافتند؛ ولیکن آنها همچنان مجبور بودند لباسهای مشخص داشته باشند

# وضعیت یهودیان در زمان نادرشاه افشار

- در زمان نادرشاه افشار که سنی مذهب بود یهودیان دوباره قدرت یافتند و اجازه یافتند در شهر مشهد که برای شیعیان مقدس بود ساکن شوند. نادر روابط بسیار خوبی با یهودیان داشت و حتی تعدادی از آنان را مامور نگهداری غنائم به دست آورده شده از هندوستان نمود. نادر دستور داد که تورات و زبور به فارسی ترجمه شود. در مقدمه این نسخه کتاب مقدس که هم اکنون در موزه ملی یهودی در اورشلیم نگهداری می‌شود آمده است:
- بعد از اتمام ترجمه، نادر شاه به روحانیون اسرائیل هدایا و لباسهای زیادی تقدیم کرد و بعد از آن به آنان اجازه مرخصی داد. در شبها، در دربار، ملای (حاکم) اعظم پادشاهی (ملاباشی) برای شاه تورات و زبور را می‌خواند و توضیح می‌داد و شاه از آن بسیار لذت می‌برد. او قسم خورد که «من روسیه را می‌گیرم، من اورشلیم را بازسازی می‌کنم و من فرزندان اسرائیل را دوباره جمع می‌کنم» ولیکن اجل به او مهلت نداد و او موفق به انجام اینکار نشد.
- یهودیان تجارت گسترده‌ای در مشهد داشتند و با تجار انگلیسی که علاقه خاصی به تجارت با یهودیان داشتند تجارت می‌کردند. یهودیان همچنین به امر بانکداری و جمع‌آوری اطلاعات برای انگلیسیها می‌پرداختند. کتاب «سرگذشت کاشان در باب عبری و گویمی ثانی» نوشته بابایی بن فرهاد شرح حال یهودیان را در زمان حکومت کوتاه افغانیان بر ایران پس از سلسله افشاریان در سالهای ۱۷۲۲ تا ۱۷۳۰ بیان می‌کند. او گزارش گرویدن اختیاری بسیاری از یهودیان کاشان به اسلام برای رهایی از مالیات جزیه را می‌دهد:

## نقش یهودیان در انقلاب مشروطیت

- ایرانیان یهودی نقش مهمی در انقلاب مشروطیت داشتند و از آن استقبال کردند زیرا انقلاب بسیاری قوانین ضد یهودی شرعی را لغو کرد. در عکس ایرانیان یهودی در جشن دومین سالگرد انقلاب مشروطه دیده می‌شوند.





# حکومت پهلوی

روابط ایران و رژیم صهیونیستی از بدو تاسیس آن تا کنون دارای فراز و نشیب هایی بوده است که به طور کلی می توان آن را به دو مقطع تقسیم کرد: یکی دوران ارتباط نزدیک و در حقیقت دوران اتحاد استراتژیک را در بر می گیرد که دوره زمانی آن به رژیم پهلوی برمی گردد و دوم دوران نشیب و تقابل است که مربوط به دوره زمانی بعد از انقلاب اسلامی می باشد و همچنان نیز ادامه دارد.

روز ۱۶ تیر ۱۳۳۰ دولت محمد مصدق به خواسته افکار عمومی مردم مسلمان ایران و جهان اسلام پاسخ مثبت داد و اقدام رژیم شاه در شناسایی دو فاکتو اسرائیل را لغو و کنسولگری ایران را در اسرائیل تعطیل کرد. اعلامیه رسمی دولت به مناسبت شناسایی اسرائیل در ۲۳ اسفند ۱۳۲۸ منتشر شده بود.

روابط ایران و اسرائیل در ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی - اطلاعاتی، نظامی و فرهنگی در زمان پهلوی را بررسی خواهیم کرد.

# بعد سیاسی

در ۸ آذر ۱۳۲۶/۲۹ نوامبر ۱۹۴۷، مجمع عمومی سازمان ملل متحد طرح پیشنهادی کمیسیونی را متشکل از یازده عضو سازمان ملل مبنی بر تقسیم فلسطین به دو منطقه عرب و یهودی، به تصویب رساند. این تصویب که در پرتو فعالیتهای تبلیغاتی شدید و ماهرانه آژانس یهود و پشتیبانی قدرتهای بزرگ، به ویژه حمایت چشمگیر و حیاتی آمریکا حاصل شد؛ سازمانهای یهودی و صهیونیستی را بر آن داشت تا در اردیبهشت ۱۳۲۷ در پی عقب‌نشینی نیروهای انگلیسی از فلسطین و با استفاده از ضعف اعراب دولت «اسرائیل» را تأسیس کنند

موشه شرتوک، وزیر خارجه اسرائیل، طی تلگرافی به نام «دولت موقت اسرائیل» خطاب به وزیر امور خارجه ایران، ضمن اعلام استقرار یک دولت یهود مستقل در فلسطین، با یادآوری خاطره تاریخی نجات قوم یهود توسط کوروش، از رژیم شاه تقاضا می‌کند که با «شناسایی اسرائیل و ایجاد رابطه دوستی» ۲ با آن کشور، بزرگ منشی دوران کورش بزرگ را تکرار نماید. دولت ایران پس از مدتی با اعزام «عباس صیقل»، به بهانه نظارت بر املاک اتباع ایرانی به اسرائیل، اولین گام را در جهت ارتباط با اسرائیل برداشت. صیقل در یکی از گزارشهای ارسالی خود به ایران با تمجید فراوان از رفتار اسرائیل، بر تسریع شناسایی اسرائیل از سوی دولت ایران تأکید ورزید.

# بعد اقتصادی

سابقه روابط تجاری بین بازرگانان یهودی و ایرانی، به قبل از شناسایی اسرائیل از سوی دولت ایران باز می‌گردد. بازرگانان که از طریق فروش کالا سود سرشاری کسب می‌نمودند، با فشار و نفوذ خود به دولت ایران و اسرائیل، نقش تعیین‌کننده‌ای را در ایجاد روابط اقتصادی ایفا نمودند. در روابط اقتصادی ایران و اسرائیل «نفت» از جایگاه ممتازی برخوردار بود. نیاز شدید اسرائیل برای به‌گردش درآوردن صنایع و توسعه آن و قادر ساختن ماشینهای نظامی خود در جنگ‌هایش با اعراب، از یک‌سو؛ و فقدان منابع طبیعی و تحریم نفتی اسرائیل توسط اعراب، از سوی دیگر؛ نفت را به منزله یک کالای استراتژیک درآورده بود. از اینرو، اسرائیل درصدد برآمد تا نیازهای نفتی خود را از ایران که دارای ذخایر عظیم نفت و یک کشور غیر عربی بود، تأمین کند

# بعد امنیتی - اطلاعاتی

اسرائیل به لحاظ داشتن موقعیتی خاص، به‌ویژه، فقدان عمق استراتژیک و آسیب‌پذیری ناشی از تهدیدات امنیتی و نیاز به تحقق یافتن اصل راهبردی امنیتی خود مبنی بر برتری نظامی بر سایر کشورهای منطقه، نیاز مبرمی به ایجاد ارتباط امنیتی و اطلاعاتی با کشوری در منطقه داشت که بتواند تأمین‌کننده اهداف مورد نظر باشد. ایران به دلیل همجواری با کشورهای عربی خاورمیانه و با برخورداری از فاکتورهایی همچون وجود بیش از چهل هزار یهودی، پذیرنده یهودیهای مهاجر از کشورهای عربی، دارا بودن آزادی یهودیان به لحاظ فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و با توجه به نفوذ و نقش آنها در سیستم حکومت محمدرضا پهلوی، مناسب‌ترین مکانی بود که اسرائیل می‌توانست به هرگونه فعالیت اطلاعاتی و عملیاتی در راستای تأمین امنیت خود دست یابد.

هر چند در دوران حکومت محمدرضا پهلوی، سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، توسط سازمان «سیا» پایه‌گذاری شد؛ اما، بر اساس یک برنامه‌ریزی هدایت شده، سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد)، جایگزینی سازمان آمریکا گردید و در واقع ساواک، توسط موساد در راستای تحقق اهداف اسرائیل، تقویت و گسترش یافت.

برای ایجاد ارتباط بین ساواک و سرویس اطلاعاتی اسرائیل، دلایل متعدد وجود داشت. اول اینکه شاه و مشاوران وی به این نتیجه رسیدند که به منظور حفظ روابط ایران و اسرائیل، سرویس‌های اطلاعاتی هر دو کشور باید این روابط را اداره و کنترل کنند. به عقیده شاه، روابط آشکار دیپلماتیک بین دو کشور به نفع ایران نبود و بهترین راه برای حفظ و اطمینان از روابط پنهانی، این بود که وظیفه انجام ارتباط با اسرائیل به ساواک واگذار شود. دوم اینکه شاه و افسران ساواک بر این عقیده بودند که سازمان سیا تمرکز خود را بر رقابت با کا.گ.ب قرار داده و شکل‌گیری و فعالیت آن سازمان در زمینه جنگ سرد بوده است. چیزی که کارآموزان ساواک نیاز داشتند و شاه نیز آن را تأیید می‌کرد، فعالیت در سطح منقطه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات و ضد جاسوسی بود؛ به‌ویژه، با توجه به تهدیدات انقلابیون عرب علیه رژیم شاه، موساد با ارائه تجربیات وسیعش در خاورمیانه، کاملترین و بهترین همکار برای ساواک بود. سوم اینکه تعدادی از رؤسای بخش‌های مختلف ساواک از آموزش کادر ساواک توسط سیا شکایت می‌کردند. در نهایت اینکه افسران ساواک معتقد بودند که برای مأموریت آنها در برابر مخالفین داخلی و خارجی شاه، مهارت‌های فنی‌ای که موساد در اختیار آنها خواهد گذاشت، بسیار ارزشمندتر از هر سازمان اطلاعاتی دیگر است.

# تبادل اطلاعات بین دو کشور به سه صورت انجام می‌گرفت

- الف (نیازمندیهای اسرائیل و ایران در زمینه اطلاع از فعالیتهای ارتش عراق و افغانستان و دیگر موضوعات مورد علاقه که به صورت سئوالهای کتبی مبادله می‌شد. اگر هر طرف جوابی داشت، برای طرف مقابل می‌فرستاد. در مواردی نیز نماینده یکی از سرویسها در ملاقات با نماینده سرویس دیگر، یا احياناً مسئولان آن سرویس، به طور شفاهی تقاضای کسب اطلاعات، یا درخواست کتبی نموده و از این طریق هر ماه اطلاعات زیادی بین طرفین مبادله می‌گردید. به عنوان مثال، در سه ماهه منتهی به اسفند ماه ۱۳۵۱، جمعاً ۱۸۷ گزارش بین ساواک و موساد مبادله شد. گزارشهای ارسالی موساد برای ساواک بیشتر حاوی مطالبی در رابطه با فعالیت سازمانهای فلسطینی، روابط اعراب با یکدیگر و همچنین تجزیه و تحلیل اوضاع داخلی کشورهای عرب بوده است. ایران نیز بیشتر، اخبار مربوط به عراق، اوضاع افغانستان و دیگر کشورهای منطقه را برای موساد فرستاده است .
- ب (ملاقاتهایی که مقامات و مسئولان دو سرویس با یکدیگر داشتند. در این ملاقاتها طرفین درباره موضوعات مورد علاقه مذاکره و اطلاعات لازم را مبادله می‌کردند .
- ج) هر سال چند بار تیمهای اطلاعاتی طرفین، برای تبادل اطلاعات به کشورهای یکدیگر مسافرت می‌کردند. در کنفرانسهای سه جانبه با ترکیه و اتیوپی نیز که هر ساله تشکیل می‌شد ساواک و موساد و سرویس امنیتی کشور سوم، اطلاعات لازم را مبادله می‌کردند .

# بعد نظامی

نیروهای مسلح، اصلی‌ترین ستون داخلی بود که شاه برای حفظ و تداوم حکومت خود به آن تکیه داشت. از اینرو، شاه همواره توجه و کنترل خاصی بر آنها اعمال می‌کرد. وجود مرز طولانی میان ایران و شوروی، با توجه به نظام دو قطبی و جنگ سرد و تهدیدات منطقه‌ای به‌خصوص از جانب عراق و مصر، پس از روی کار آمدن جمال عبدالناصر، موجب گردید تا شاه به سمت و سوی افزایش انواع سلاحهای جنگی گرایش یابد. این مسأله زمانی به اوج خود رسید که از یکسو، بر اساس دکترین نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، شاه در راستای حفظ منافع آمریکا، نقش ژاندارمی را در منطقه خلیج فارس برعهده گرفت و از سوی دیگر، با افزایش قیمت نفت و درآمد ایران در جریان جنگ چهارم اعراب و اسرائیل، ایران توان چشمگیری جهت خرید جنگ افزار کسب نمود. به گونه‌ای که دولت ایران حدود یک سوم از کل درآمدهای پولی خود را به هزینه‌های نظامی اختصاص داد.

هر چند بخش عمده تسلیحات ایران از طریق آمریکا تأمین می‌شد و ایران در اواسط دهه 1970 به بزرگترین خریدار اسلحه آمریکایی در جهان تبدیل شده بود؛ اما از آنجا که شاه، ادامه بقای خود را در داشتن تسلیحات هر چه بیشتر و متنوع‌تر می‌دید و از دید تحلیل‌گران، به «جنون عظمت» در خرید سلاح مبتلا گردیده بود، به دنبال آن دسته از منابع تسلیحاتی بود که برای فروش محدودیتی نداشته باشند. به تشخیص شاه و ژنرال طوفانیان، «اسرائیل» به عنوان مناسب‌ترین منبع تعیین شد. لازمه این تشخیص آن بود که بین ایران و اسرائیل روابط نظامی هم برقرار گردد و آنها را به همدیگر نزدیکتر سازد. به‌خصوص، هر گاه دولتهای دمکرات آمریکایی یا کنگره، با فروش سلاح جنگی به ایران مخالفت می‌ورزیدند، ایران گامهای بلندتری به سوی اسرائیل برمی‌داشت که در اذهان مقامات ایرانی به منزله «آمریکای کوچک» تلقی می‌شد. روند خریدهای تسلیحاتی از اسرائیل به گونه‌ای پیش رفت که در سالهای پایانی رژیم شاه، ایران به عنوان بزرگترین خریدار جنگ افزار و تسلیحات از اسرائیل محسوب می‌شد. اسرائیل نیز در فروش تسلیحات جنگی به ایران انگیزه‌های خاص خود را داشت. اولاً، به ایران به دیده عمق استراتژیک خود می‌نگریست که در جنگها می‌توانست از کمکهای لجستیکی و پشتیبانی‌اش استفاده کند. چنانچه در چهارمین جنگ اعراب و اسرائیل به دلیل نیاز فوری اسرائیل، ایران مقداری تجهیزات جنگی به اسرائیل ارسال کرد. دیگر اینکه، اسرائیل با فروش تسلیحات و گسترش دامنه همکاریهای نظامی، درآمد قابل توجهی به دست آورده و ضمناً در دراز مدت، نوعی وابستگی در ایران نسبت به تجهیزات اسرائیلی به‌وجود می‌آورد. ضمناً، اسرائیل کاملاً می‌دانست هر سلاحی که از هر طریقی به دست حکومت ایران برسد، به عنوان تهدیدی علیه کشورهای انقلابی عرب قلمداد خواهد شد و بنابراین، اسرائیلی‌ها از لابی خود جهت راضی ساختن آمریکایی‌ها به فروش تجهیزات و تسلیحات مورد درخواست شاه استفاده می‌کردند. ۳۰

# بعد فرهنگی

اسرائیل در رابطه استراتژیک خود با ایران، نگاه ویژه‌ای به مقوله فرهنگ و آموزش به منظور بسترسازی و تغییر نگرش افکار جامعه ایران در راستای دستیابی به اهداف مختلف خود داشت. آنها با شناخت از تمایلات درونی محمدرضا پهلوی مبنی بر احیاء باستان گرایی، به بزرگنمایی کوروش تحت عنوان نجات دهنده قوم ستمدیده یهود و یک موسی بالقوه، پرداخته و با ظرافت و شگردهای خاص تبلیغاتی از محمدرضا پهلوی به عنوان «کوروش دوم» یاد نمودند. البته این شبیه‌سازی نیز با توجه به ویژگیهای شخصیتی محمدرضا، برایش بسیار دلپذیر و خوشایند بوده و از آن استقبال می‌کرد.

مقامات اسرائیلی بر این باور بودند که عامل غیرعربی بودن در خاورمیانه زمینه احساسی نزدیکی ایران و اسرائیل را فراهم می‌سازد. بر همین اساس اسرائیلی‌ها از روشی استفاده می‌کردند که برای ایرانیان دلپذیر و خوشایند باشد. یکی از آن روشها سخن گفتن پیرامون داستانهای همانند «استر»، زن یهودی و عموی وی، «مردخای»، مرد یهودی بود که در دربار خشایارشا نفوذ نموده و پادشاهان ایران را تحت تأثیر و تلقین خود قرار دادند. ماجرای استر و مردخای به طور خلاصه چنین است: در زمان سلطنت خشایارشا، روزی پادشاه در یک مجلس بزم مردانه در حالی که سرش از باده گرم بود ملکه یا همسر سوگلی خود «وشتی» را به حضور می‌طلبد تا زیبایی او را به رخ همه بکشد. وشتی از حضور در این مجلس مردانه امتناع می‌کند و این امر بر پادشاه گران آمده و به توصیه مشاورانش که در همان مجلس حضور داشتند، تصمیم می‌گیرد ملکه دیگری برای خود انتخاب نماید ... در دربار خشایار شاه یک مرد یهودی به نام «مردخای» که از مهاجرین بابل بود، خدمت می‌کرد و چون از دستور شاه مطلع می‌شود دختر عموی خود به نام «هدسه» را به دربار می‌فرستد و به او تعلیم می‌دهد که پیوند قوم و خویشاوندی خود را با او فاش نکند. خشایارشا ... او را ستاره یا «استر» می‌نامد و تاج مخصوص ملکه را بر سر وی می‌نهد ... بعد از توطئه‌ای که علیه خشایارشا طراحی می‌شود و او از این توطئه جان سالم به در می‌برد؛ وزیرش، هامان حکم قتل عام یهودیان را می‌گیرد و حدود صد هزار نفر از یهودیان را می‌کشد. استر برای نجات قوم خود وارد قضیه می‌شود و خشایارشا را نسبت به هامان بدبین می‌کند و با قتل هامان و روی کار آمدن مردخای یهودیان انتقام می‌گیرند و روز ۱۴ آذر را به همین مناسبت «عید پوریم» نامگذاری نموده و جشن می‌گیرند. ۳۵

# نتیجه‌گیری

روابط ایران و اسرائیل از سال ۱۳۲۷ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، محدود و از تعادل و توازن نسبی برخوردار بوده است؛ اما، پس از کودتا تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، این روابط از تعادل و توازن نسبی و تأثیرگذاری یکسانی بر اساس عرف بین‌المللی برخوردار نبوده، بلکه این روابط با تأثیرگذاری اسرائیل بر ایران به صورت آشکار و پنهان در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، امنیتی - اطلاعاتی، نظامی و فرهنگی تحقق یافت.

علاوه بر این، یافته‌های برگرفته از بررسی پنج حوزه ذکر شده می‌تواند ما را به نتیجه‌گیری ابعاد دیگر موضوع رهنمون سازد: ۱- اسرائیل در طول روابط خود با ایران همیشه منافع خود را مورد توجه قرار داده و هرگز حاضر نمی‌شد بدون در نظر گرفتن این مسأله آموزش و یا هر گونه امکانات مناسبی را در اختیار ایران قرار دهد؛

۲- ایران در دوران روابط با اسرائیل، اقدامی عملی علیه منافع اسرائیل انجام نداد و حتی در مسأله بسیار حساس و مهم «فلسطین»، مواضع شاه در گفتار و عمل از ماهیت دوگانه‌ای برخوردار بود. بدین معنا که، در گفتار و نظر به ظاهر برخی از اقدامات اسرائیل را مردود دانسته و از مواضع فلسطین و کشورهای عربی حمایت می‌کرد. اما، در عمل، موجبات تقویت پایه‌های حکومت اسرائیل را فراهم نموده و در واقع این نفت ایران بود که در صنایع اسرائیل تبدیل به آتش سرخی می‌شد که بر سر مردم مظلوم فلسطین فرود می‌آمد و حقیقتاً مردم با ایمان و مسلمین جهان را به شدت متأثر می‌ساخت.

۳- رژیم پهلوی، به مثابه یک اهرم پر قدرت، گام‌های بسیار مؤثری در جهت اهداف اسرائیل برداشت و در این راستا خدمات بسیار ارزشمندی در حفظ موجودیت و گسترش نفوذ آن در منطقه استراتژیک خاورمیانه از خود نشان داد.

۴- استفاده از طراحان، کارشناسان، متخصصان و مشاوران اسرائیلی در سطوح مختلف، به‌ویژه امور اقتصادی، اعزام نیروی انسانی در رده‌های مختلف به مراکز آموزشی اسرائیل جهت فراگیری آموزش‌های مورد نیاز، الگو قرار دادن اسرائیل در بخش‌های مختلف و اعتقاد بر تکمیل تکنولوژی مورد نیاز ایران به وسیله تکنولوژی پیشرفته اسرائیل؛ آگاهی یافتن از توانایی‌های گسترده اسرائیل در جمع‌آوری اطلاعات و تشکیل سیستم اطلاعاتی- امنیتی توانمند، به‌خصوص کسب خبر از کشورهای عربی؛ فقدان پایگاه مردمی رژیم شاه و نیاز به یافتن حامی در منطقه خاورمیانه؛ نیاز شدید به همکاری شبکه موساد به منظور سازماندهی، تقویت و گسترش ساواک و امکان استفاده از نیروهای ویژه اسرائیل در خاموش کردن ناآرامی‌های داخلی و کسب اطلاعات جهت سرکوب گروه‌های مخالف رژیم از جمله عوامل مؤثر علاقمندی ایران، به ارتباط با اسرائیل بودند.

۵- عوامل مؤثر علاقمندی اسرائیل برای ارتباط با ایران شامل موارد زیر بود: خارج شدن از انزوا و احساس تنها نبودن از محاصره اعراب، جلوگیری از آسیب‌پذیری با نگاه به ایران به عنوان بخش مؤثری از کمربند امنیتی پیرامون خود؛ وجود تعداد قابل توجه یهودیان در ایران به عنوان یک منبع بزرگ اطلاعاتی، وجود بهائیان در اسرائیل و استفاده ابزاری از آنها با توجه به نفوذ در دستگاه‌های مختلف دولتی به‌ویژه در زمان تصدی نخست وزیر هویدا؛ تأمین نفت مورد نیاز خود، رونق بخشیدن به اقتصاد خود از طریق صادرات انبوه کالا به بازار پرسود ایران و فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی و زمینه‌سازی فعالیت شرکت‌های متعدد اسرائیل به منظور کسب در آمد سرشار؛ ایجاد اشتغال و نفوذ در تمام شعبون.

۶- علاوه بر منافع خاصی که هر کدام از رژیم ایران و اسرائیل در پرتو ارتباط با هم کسب می‌کردند؛ مسایل و اهداف مشترکی هم وجود داشت که موجب تقویت و مستحکم‌تر شدن روابط می‌شد. در این باره می‌توان از: تأثیرپذیری هر دو واحد سیاسی از نظام دو قطبی و گرایش به سوی غرب، علاقه و تمایل شدید آمریکا بر پیوند و گسترش روابط آنها به‌عنوان دو ستون نظامی خود در منطقه، ضرورت‌های امنیتی مشترک به‌خصوص تهدیدات ناشی از نفوذ شوروی در خاورمیانه و مقابله با تحریکات شدید جمال عبدالناصر، و تحولات پرشتاب منطقه خاورمیانه نام برد.



# قطع روابط

- دو واقعه تاریخی یکی داخلی و دیگری منطقه ای سبب شد که از اواخر سال ۱۳۵۶ روابط ایران و اسرائیل وارد مزحله جدیدی شود و در نهایت به قطع کامل بینجامد. مسافرت انور سادات به بیت المقدس در ۲۸ آبان ۱۳۵۶ و آغاز مذاکرات صلح این کشور با اسرائیل با میانجیگری آمریکا که منجر به امضای موافقتنامه کمپ دیوید در ۲۶ شهریور ۱۳۵۷ گردید، هرچند از نظر دولتمردان ایرانی مثبت ارزیابی می شد، ولی باعث شد افکار عمومی و بویژه شخصیت‌های مذهبی با کوضع گیری منفی، دولت ایران را شدیداً تحت فشار قرار دهند از سوی دیگر با خیزش قهرآمیز ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی
- نه تنها به این گونه روابط پایان داده شد، بلکه مبارزه با صهیونیست‌های اشغالگر و آزاد ساختن قدس عزیز که به سبب سازشکاری و محافظه‌کاری دول عربی هنوز عملی نشده بود، در دستور کار وزارت امور خارجه قرار گرفت. بنابراین در ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ رابطه ایران و اسرائیل قطع شد و یاسر عرفات برای دیدار با رهبر انقلاب اسلامی ایران به تهران آمد. سپس پرچم فلسطین به دست عرفات بر بام ساختمان نمایندگی اسرائیل افراشته شد، خیابانی که نمایندگی اسرائیل در آن قرار داشت از «کاخ» به «فلسطین» تغییر نام یافت و هانی الحسن، یکی از مشاوران نزدیک عرفات، به‌عنوان نخستین نماینده سازمان آزادی‌بخش فلسطین در ایران تعیین شد.
- با استقرار جمهوری اسلامی ایران اسرائیل متحمل خسارات زیادی شد که از آن جمله می توان موارد ذیل را نام برد:
- ۱- ازدست دادن منابع نفتی که ظاهراً تضمین شده تلقی می گردید.
- ۲- ازدست دادن یک خریدار مهم کالاهای صنعتی و کشاورزی
- ۳- ازدست دادن کشوری که بیشترین امکانات را برای شرکتهای مالی و خدماتی اسرائیل فراهم کرده بود
- ۴- ازدست دادن یک هم پیمان قوی و جدی علیه شوروی
- ۵- ازدست دادن یک همپیمان مقتدر در سطح استراتژیک و سیاسی در مقابله با هرگونه تحرک کشورهای عربی
- ۶- ازدست دادن یکی از معدود رژیمها در جهان اسلام که برای تشویق انور سادات رئیس جمهور مصر در ایجاد روابط عادی با اسرائیل تمام تلاش خود را به کار گرفت.

# دلایل خصومت ایران با اسرائیل

در این بخش به دو دسته دلایل ایدئولوژیک و غیرایدئولوژیک (استراتژیک) خصومت ایران با اسرائیل می‌پردازیم. بسیاری از صاحب‌نظران، مهم‌ترین دلیل برای به رسمیت نشناختن دولت اسرائیل توسط جمهوری اسلامی ایران را دلیل ایدئولوژیک می‌دانند. بر اساس دلیل ایدئولوژیک، چنین استدلال می‌شود که بر همگان آشکار است اسرائیل غاصب سرزمین فلسطین است و از هیچ‌گونه مشروعیتی برخوردار نیست. اسرائیلی‌ها با هر وسیله‌ی ممکن به اشغال سرزمین فلسطین پرداخته و با کمک قدرت‌های بزرگ به تأسیس دولت اسرائیل نائل آمدند.

# منابع:

- ۱- سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، پاییز ۱۳۸۱، ص ۶۰ به نقل از: مقاله صدمین سالگرد صهیونیزم، چشم‌انداز [چاپ خارج از کشور]، شماره ۵۶، ۱۹۹۷م.
- ۲- روابط ایران و اسرائیل به روایت اسناد نخست وزیری؛ تهران، مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۷۷.
- ۳- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری بزرگ اندیشه، جلد ۱۲ شماره ۳۶.
- ۴- فولادزاده، عبدالامیر؛ شاهنشاهی پهلوی در ایران؛ تهران؛ جلد سوم؛ کانون نشر اندیشه‌های اسلامی؛ ۱۳۶۹.
- ۵- بزم اهریمن، جشنهای دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی به روایت اسناد ساواک و دربار؛ جلد اول، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، ۱۳۷۷.
- ۶- سازمانهای یهودی و صهیونیستی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۷۹
- ۷- دایره المعارف تشیع ج ۲، تفسیر نمونه ج ۱۵، ص ۲۳۶ - ۲۴۶